

دادگاه رسانه و عدالت رویه‌ای

قدرت‌الله رحمانی*

استادیار گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۰۶ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۰۹/۲۱)

چکیده

تشکیل دادگاه ویژه مطبوعات و اعطای تضمین‌های پیش‌بینی شده در اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به طیف وسیعی از متهمان به ارتکاب جرایم مطبوعاتی و رسانه‌ای، عوارض و عواقب غیرقابل توجهی در مسیر احقاق حق، عدالت‌گستری و تأمین حقوق اساسی افراد به جا گذاشته و منشأ بروز آسیب‌های مهمی از منظر حقوقی شده است که بروز نابرابری‌های ناروا در رسیدگی‌های قضایی و نقض عدالت رویه‌ای ناشی از دادرسی مطلق و بدون استثناء جرایم مطبوعاتی و رسانه‌ای با رعایت تشریفات مقرر در اصل ۱۶۸ (علنی بودن دادرسی و حضور هیأت منصفه)، از جمله مهم‌ترین این آسیب‌ها است. مفاد قانون جدید آیین دادرسی کیفری (مصوب اسفند ۱۳۹۲) و قانون اخیرالتصویب جرم سیاسی (مصوب بهار ۱۳۹۵) راجع به تشکیل هیأت منصفه واحد محاکم اصل ۱۶۸ و نیز تبعیت این محاکم از اصل و استثنائات وارد بر اصل علنی بودن دادرسی، می‌تواند نقطه آغاز تحول در نظام معیوب دادرسی جرایم رسانه‌ای تلقی شود که به نوبه خود کاهش نابرابری‌های ناروا در دادگاه مطبوعات و رسانه را پیامد خواهد داشت.

کلیدواژگان: دادگاه رسانه، جرم رسانه‌ای، عدالت رویه‌ای، قانون جرم سیاسی

مقدمه

مطالعه عملکرد نظام قضایی کشور پیش از انقلاب اسلامی، هیچ نشانی از رویه قضایی درباره اجرای تضمین‌های قانون اساسی نسبت به متهمان سیاسی و مطبوعاتی ندارد، چه این که اساساً در هیچ دوره‌ای از ادوار ۷۰ ساله حکومت مشروطیت در ایران - جز مقاطعی اندک و کوتاه همچون فاصله پیروزی جنبش مشروطیت تا استبداد صغیر، و یا دوران دولت دکتر مصدق - اراده‌ای برای رعایت حقوق فعالان سیاسی مطبوعاتی و غیرمطبوعاتی در حاکمیت وجود نداشته است (رحمانی، ۱۳۹۱، ص ۴۵۷). اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی اجرا و اعطای تضمین‌های قانون اساسی نسبت به یک قسمت از جرایم مشمول اصل ۱۶۸ قانون اساسی، به طور وسیع و مبتنی بر تفسیر موسع از جرایم مطبوعاتی، مورد توجه سیستم قضایی کشور قرار گرفت، لیکن درباره‌ی جرایم سیاسی هیچ اقدام عملی انجام نشده که با تصویب و ابلاغ قانون جرم سیاسی در اردیبهشت سال جاری (۱۳۹۵) و مشخص شدن مصادیق جرم سیاسی و ترتیبات ناظر به دادرسی این دسته از جرایم، باید در انتظار اجرای قانون مزبور و النهایه اجرای کامل اصل ۱۶۸ قانون اساسی بود.

از منظر حقوقی - صرف نظر از مسائل سیاسی - عملکرد دو گانه دادگستری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در زمینه اجرای اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را باید ناشی از تبعیت نظام قضایی از نظام قانونگذاری کشور تلقی کرد که مبتنی بر رویکرد دو گانه به جرایم موضوع اصل مذکور، اعطای تضمین‌ها به مطلق متهمان جرایم مطبوعاتی و تمهید نظام دادرسی خاص برای رسیدگی به جرایم ارتكابی از سوی این دسته از متهمان را مورد توجه قرار داده، اما در قبال سازوکار ویژه برای دادرسی جرایم سیاسی تا قبل از تصویب قانون جرم سیاسی در بهار سال ۱۳۹۵ ساکت بوده است.

دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و رسانه‌ای - با کیفیتی که در حال حاضر در نظام قضایی دایر است - بر مبنای تفسیری از اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است که جرایم سیاسی و جرایم مطبوعاتی موضوع اصل را دو مقوله مستقل از هم تلقی می‌کند و تشکیل دو رژیم دادرسی جداگانه بر اساس اصل ۱۶۸ را برای رسیدگی به هر یک از این دو دسته جرایم ضروری می‌داند. در برابر این تفسیر از اصل ۱۶۸ که جرم مطبوعاتی را عنوانی مستقل از جرم سیاسی تلقی کرده و با پذیرش تعریفی موسع از دامنه جرم مطبوعاتی، همه انواع جرایم ارتكابی از طریق مطبوعات را مشمول اصل می‌داند، تفسیر دیگری قرار دارد که با تأکید بر قرابت و پیوستگی

و هم‌پوشانی و مترادف معنایی جرایم مشمول اصل، ماهیت یگانه‌ای را برای این جرایم - که عبارت است از «ماهیت سیاسی جرایم موضوع اصل ۱۶۸» - به اثبات می‌رساند و از این رو منتهی به خروج موضوعی جرایم مطبوعاتی غیرسیاسی از شمول اصل می‌شود. در رویکرد تفسیری دوگانه‌انگار به جرایم سیاسی و مطبوعاتی - که نظام دادرسی ارفاقی فعلی را بنیان نهاده است - مطلق جرایم ارتكابی از طریق مطبوعات و دیگر رسانه‌های تابع مقررات قانون مطبوعات، مشمول اصل تلقی می‌گردد، به خلاف نظریه یگانه‌انگار، که فقط جرایم واجد وصف سیاسی را مشمول اصل می‌داند. عبارت «جرایم سیاسی و مطبوعاتی» مندرج در اصل ۱۶۸، از منظر نظریه دوگانگی، مفهوم «همه جرایم سیاسی غیرمطبوعاتی و جرایم مطبوعاتی سیاسی و غیرسیاسی» را افاده می‌کند، اما در رویکرد یگانگی، این عبارت، منصرف از جرایم غیرسیاسی مطبوعاتی و صرفاً معطوف به «جرایم سیاسی مطبوعاتی و غیرمطبوعاتی» است. رویکرد دوگانه‌انگار به جرایم موضوع اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جرایم یاد شده را به دو دسته جرایم ماهیتاً مستقل و متمایز از یکدیگر تقسیم می‌کند و تشخیص جرایم مطبوعاتی را وابسته به تعریف جرم سیاسی نمی‌داند. از این رو در انگاره مذکور، باید با اختیار ضابطه‌ای خاص، جرایم مطبوعاتی مشمول اصل ۱۶۸ را - فارغ از مفهوم و مصادیق جرم سیاسی - موردشناسایی قرار داد. در نتیجه، رویکرد دوگانه‌انگار، به ضرورت تمهید دو رژیم مستقل دادرسی برای هر یک از دو دسته جرایم سیاسی و جرایم مطبوعاتی می‌انجامد، چرا که جرایم داخل در هر دسته را واجد ماهیت متمایز و متفاوت از دسته دیگر می‌پندارد. لیکن دیدگاه یگانه‌انگار، از آن جهت که ماهیتی واحد برای همه جرایم موضوع اصل ۱۶۸ قائل است، به نظام دادرسی یگانه‌ای برای رسیدگی به جرایم مذکور منجر می‌شود (رحمانی، ۱۳۹۱، ص ۲۸).

بر اساس قانون مطبوعات و رویه فعلی دادگستری که بر دوگانه‌انگاری جرایم موضوع اصل ۱۶۸ قانون اساسی مبتنا یافته است، محکمه اصل ۱۶۸ ویژه مطبوعات - که باید به صورت علنی و با حضور هیات منصفه تشکیل شود - مرجع صالح رسیدگی به مطلق جرایم ارتكابی از طریق رسانه‌های مشمول قانون مطبوعات است. صرف نظر از میزان انطباق دادگاه ویژه مطبوعات با مقصود قانونگذار اساسی از پیش‌بینی رژیم ارفاقی در اصل ۱۶۸، این پرسش مطرح است که آیا تشکیل دادگاه مذکور در شکل کنونی آن - که مطلق جرایم ارتكابی توسط مطبوعات و دیگر رسانه‌های مشمول قانون مطبوعات را بدون استثنا وفق اصل ۱۶۸ قانون اساسی رسیدگی می‌کند - به تأمین برابری قضایی یا عدالت رویه‌ای منجر شده است؟

مقاله حاضر کوشیده است به پرسش فوق‌الذکر - که تاکنون پژوهشی درباره آن انجام نشده - با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نیز استناد به قوانین و رویه دادگاه مطبوعات، پاسخ دهد. بر اساس نتایج این تحقیق، تشکیل دادگاه ویژه مطبوعات با وضعیت کنونی، دست کم سه نوع تبعیض قضایی (نابرابری متهمان رسانه‌ای و غیررسانه‌ای، نابرابری رسانه‌های مشمول و غیرمشمول قانون مطبوعات و نابرابری شاکیان رسانه‌ای و غیررسانه‌ای) را پیامد داشته و به نقض عدالت رویه‌ای منجر شده است.

۱. مبنای حقوقی دادگاه رسانه

نظریه دوگانگی جرایم سیاسی و مطبوعاتی - که نظام دادرسی جرایم رسانه‌ها بر پایه آن شکل گرفته و نابرابری‌های ناروا در دادگاه رسانه را موجب شده - عمدتاً بر دو دلیل استوار است: نخست، دلالت ظاهر الفاظ اصل ۱۶۸ و سپس، قاعده‌ای که در عالم حقوق از آن به «تفسیر متن قانونی به نفع متهم» یاد می‌شود.

۱-۱. دلالت ظاهر الفاظ اصل ۱۶۸

دیدگاه دوگانه‌انگار جرایم موضوع اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر این بنیاد استوار است که ظاهر الفاظ اصل ۱۶۸، بر دوگانگی جرایم سیاسی و مطبوعاتی دلالت می‌کند و هر یک از دو لفظ «سیاسی» و «مطبوعاتی» دایره معنایی مستقلی از دیگری دارد که «جرم سیاسی» را مفاداً و ماهیتاً از «جرم مطبوعاتی» متمایز کرده است.

استدلال مذکور بر پایه این گزاره استوار است که اصطلاح «جرایم مطبوعاتی» در اصل ۱۶۸، افاده «اطلاق» می‌کند و نزدیک‌ترین تعریفی که از نحوه عبارت‌پردازی اصل مذکور درباره جرم مطبوعاتی به ذهن متبادر می‌شود، تعریف موسع و دربرگیرنده‌ای است که همه انواع جرایم ارتكابی به وسیله مطبوعات را شامل می‌شود. هم‌چنین گفته شده است که غیر از «تبادر اولیه مفهوم اطلاق از اصطلاح جرم مطبوعاتی»، عبارت ذیل اصل ۱۶۸ نیز مفید دلالت ضمنی بر اطلاق اصطلاح جرم مطبوعاتی می‌باشد، از آن جهت که عبارت مذکور، در مقام تعیین تکلیف برای مقنن عادی در «تعریف جرایم مشمول اصل ۱۶۸»، صرفاً به تکلیف یاد شده برای «تعریف جرم سیاسی» بسنده کرده و اشاره‌ای به «تعریف جرم مطبوعاتی» ننموده است و این خود نشانه بدیهی بودن تعریف جرم

مطبوعاتی و اطلاق تعریف مذکور بر همه جرایم ارتكابی از طریق مطبوعات است، برخلاف جرم سیاسی که تعریف توافق شده‌ای درباره آن وجود ندارد (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۰، ص ۳۲). از حیث دستور زبان و قواعد نحوی، می‌توان بر افاده دوگانگی جرایم سیاسی و مطبوعاتی در الفاظ اصل ۱۶۸، استدلال کرد، به این ترتیب که حرف ربط «و» در جمله «جرایم سیاسی و مطبوعاتی» از جنس «عطف» - و نه «تأکید»^۱ - تلقی می‌شود و «و» مذکور، دو عبارت متغایرالمصدق «جرایم سیاسی» و «جرایم مطبوعاتی» را به یکدیگر عطف کرده که در نتیجه، واژه «جرایم» در عبارت دوم، حذف به قرینه لفظی شده است.

نتیجه آنکه، نمی‌توان با تأکید و تمسک بر ماهیت سیاسی جرایم و جدا کردن جرایم سیاسی و غیرسیاسی، فقط آن دسته از جرایم را (اعم از مطبوعاتی و غیرمطبوعاتی) که واجد وصف سیاسی است، مشمول تضمین‌های اصل ۱۶۸ دانست و بقیه جرایم مطبوعاتی و رسانه‌ای را - برخلاف دلالت ظاهر الفاظ - از شمول تضمین‌های اصل خارج نمود.

۱-۲. رویکرد حمایت از رسانه در اصل ۱۶۸

نظریه دوگانه‌انگار جرایم سیاسی و مطبوعاتی، مفاد اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را متضمن یک «حکم حمایت بنیاد» از اصحاب قلم و ارباب جرایم می‌داند و بر پایه قاعده «تفسیر قانون به نفع متهم» بر آن است که نباید اراده حمایت‌گرایانه مقنن از فعالان مطبوعاتی و رسانه‌ای را - با تفسیر مضیق اصل ۱۶۸ - خنثی نمود.

در این دیدگاه، علت حمایت خاص مقنن از فعالیت‌های مطبوعاتی و اعطای تضمین به مطلق مجرمان مطبوعاتی، به ماهیت فعالیت‌های مذکور و نیز مفروض انگاشتن انگیزه‌های شرافتمندانه روزنامه‌نگاران و طبیعت حرفه روزنامه‌نگاری ارجاع داده شده است (معتدنازاد، ۱۳۸۱، ص ۱۲۰). از این رو، آن چه مورد حمایت مقنن قرار می‌گیرد «فاعل جرم» است، نه «آلت جرم» (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۰، ص ۲۸). به عبارت دیگر، حکم مندرج در اصل ۱۶۸، بیش و پیش از آن که «جرم‌محور» باشد،

۱. حرف «و» دارای معانی گوناگونی است که «حرف ربط» یکی از این معانی است و به دو قسم «عطف» و «تأکید» منقسم می‌شود؛ «و» ربط عاطفی برای عطف دو کلمه یا دو جمله هم پایه به یکدیگر به کار می‌رود، در حالی که «و» ربط تأکید برای تأکید بر مفهوم خاص و یا مصادیق خاصی از یک کلمه و یا جمله استفاده می‌شود و معانی‌ای نظیر «بویژه»، «خصوصاً»، «بالاخص» و «البته» از آن مستفاد می‌گردد. (دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵)، لغت‌نامه دهخدا (دو جلدی)، زیر نظر جعفر شهیدی، به کوشش غلامرضا ستوده، ایرج مهرکی و اکرم سلطانی، چاپ اول، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، صص ۳۱۰۵-۳۱۰۶).

«مجرم‌محور» است و مقنن در صدد حمایت و ارفاق در حق دسته خاصی از مجرمان است که در حوزه کار مطبوعاتی فعال هستند ولو آن که ماهیت فعالیت آنها، هیچ نسبتی با کنش سیاسی - حتی به نحو غیرمستقیم - نداشته باشد. به عبارت اخری، آن چه مراد و مقصود نهایی قانونگذار در انشاء این حکم حمایت‌بنیاد بوده است - نه الزاماً جرایم واجد وصف خاص (مثلاً سیاسی)، بلکه - اعطای تضمین به طبقه خاصی از نخبگان فعال در حوزه عمومی می‌باشد که به واسطه نوع فعالیت‌هایشان، دائماً در اصطکاک با ارباب قدرت و اصحاب حکومت‌اند و از این رو شایسته و سزاوار حمایت ویژه قانون و قضا هستند. لذا اگر چه همه جرایم مطبوعاتی، جامعه را هدف قرار نمی‌دهد و ممکن است تنها فرد یا افرادی خاص از یک جرم مطبوعاتی متضرر شوند، لیکن از آن‌جا که جرایم مطبوعاتی فاقد وصف عمومی نیز، می‌تواند بهانه کافی برای برخورد قهرآمیز با مطبوعات از طرف حکومت را فراهم آورد و احیاناً نشریات مذکور را با خطر تعطیلی و توقیف از سوی دولت مواجه سازد، لازم است مطلق عناوین مجرمانه ناشی از فعالیت‌های مطبوعاتی، مشمول حمایت‌های ویژه قانون قرار گیرد (صالحی انصاری، ۱۳۸۵، ص ۱۱۳). از این رو، مطبوعات - فارغ از گرایش‌های موضوعی و محتوایی - همواره در مواجهه مستقیم یا غیرمستقیم با حکومت و در مسیر تعامل یا تقابل با اقتدار سیاسی جامعه قرار دارند و از این حیث تفاوت چندانی میان مطبوعات سیاسی، یا محتوای مستقیماً سیاسی مطبوعات، با مطبوعات غیرسیاسی و یا محتوای غیرسیاسی نشریات، نمی‌توان قائل شد (معمدنژاد، ۱۳۸۵، ص ۲۷۳) مطبوعات، با هر زمینه انتشار، اعم از سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، هنری، اقتصادی، ورزشی و مانند آن، می‌توانند فضای جامعه را در جهت منویات خود بیاریند آن‌چنان که نشریات سیاسی در رفتار سیاسی مردم تأثیر می‌گذارند، نشریات فرهنگی، ترویج اخلاق و آداب و فرهنگ مورد نظر را وجهه همت می‌کنند و نشریات محلی، اقتضانات بومی و قومی را در کانون کنش مطبوعاتی خود قرار می‌دهند و در همه این موارد، احتمال تلاقی مطالب منتشر شده با اصول حقوق عمومی - یعنی امنیت و وحدت ملی و استقلال سیاسی - کم و بیش وجود دارد. حتی ممکن است نشریه‌ای ورزشی، مطلبی علیه یک ورزشکار برخاسته از قوم و طایفه‌ای خاص منتشر کند که تبعات سیاسی و اجتماعی در آن بوم و منطقه خاص ایجاد نماید (اردیلی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۹). لذا دامنه جرایم مطبوعاتی، می‌تواند حیطه‌ها و حوزه‌های گوناگونی از امنیت عمومی، اعتقادات میهنی و مذهبی، عفاف و اخلاق جامعه و نظایر آن و البته مشی و مرام سیاسی حکومت را دربرگیرد (اردیلی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۵). به علاوه، طبیعت حرفه روزنامه‌نگاری - که عبارت است از سرعت در تهیه و تنظیم و انتشار

فرآورده مطبوعاتی - حمایت ویژه قانون از اصحاب مطبوعات را ایجاب و اقتضاء می‌کند، از آن روی که، در اغلب عناوین مجرمانه مطبوعاتی - برخلاف سایر جرایم - عنصر معنوی جرم، مفروض انگاشته می‌شود زیرا در غیر این صورت، امکان اثبات جرم مطبوعاتی - حتی با فرض احراز عناصر مادی و قانونی جرم - بسیار دشوار و تقریباً ناممکن است (معمدنژاد، ۱۳۸۱، ص ۱۲۴) و چون بواسطه عامل سرعت در کار روزنامه‌نگاری، احتمال خطا و در نتیجه تحقق عناصر مادی و قانونی عناوین مجرمانه وجود دارد، لازم است روزنامه‌نگاران و مدیران جرایم، در مقابل این آسیب محتمل و رایج حرفه خود، تحت حمایت‌های ارفاقی - به ویژه تضمین حضور هیأت منصفه در دادرسی - قرار بگیرند، تا لاقلاً به جای قضات متمرکز بر نص قانون و متمایل بر حمل گزاره‌های خشک حقوقی بر موضوع مطروحه در محکمه، گروهی از نمایندگان افکار عمومی با نگرشی عامیانه و غیر تخصصی، مفروض بودن عنصر معنوی جرم را در خصوص هر مورد، ارزیابی کنند (شاملو، ۱۳۷۵، ص ۱۸۲) و از آن جا که هیأت منصفه، علی‌القاعده ملزم به ارایه استدلال درباره رأی خود نیست (جباری، ۱۳۳۲، ص ۵۰) می‌تواند - حتی در فرض احراز عناصر مادی و قانونی جرم از نظر قضات حرفه‌ای - عنصر معنوی مفروض در جرم را با توجه به اوضاع و احوال قضیه، نادیده گرفته و تبرئه متهم مطبوعاتی را مورد حکم قرار دهد.

۲. نقد مبنای حقوقی (ایراد نظری)

به خلاف دیدگاه دوگانه‌انگار جرایم موضوع اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظریه یگانگی جرایم سیاسی و مطبوعاتی، به وحدت ماهیت جرایم موضوع اصل یاد شده معطوف بوده و بر آن است که مراد و مقصود مقنن از پیش‌بینی تضمین‌های ویژه دادرسی جرایم سیاسی و مطبوعاتی، حمایت خاص از متهمان سیاسی بوده است و اگر بعد از عبارت «جرایم سیاسی» بلافاصله عبارت «و مطبوعاتی» را اضافه کرده، از آن جهت بوده است که جرایم مطبوعاتی - به گواهی تاریخ مطبوعات - نوعاً از جنس جرایم سیاسی می‌باشد و در بادی نظر، مطبوعات و جرایم از مهم‌ترین ابزار ارتکاب جرم سیاسی به شمار می‌رود. لذا مقنن اساسی از باب تأکید بر مهم‌ترین و رایج‌ترین ابزار ارتکاب جرایم سیاسی، مطبوعات را مورد تصریح قرار داده است. بر اساس این نظر، ابزار مطبوعات از حیث ارتکاب جرم خصوصیتی ندارد و لذا ارباب جرایم در صورت ارتکاب جرایم فاقد اوصاف سیاسی، در ردیف سایر مرتکبان جرایم عمومی باید در محاکم عمومی و با رعایت تشریفات معمول

در رسیدگی به این جرایم، محاکمه شوند و صرف ارتکاب جرم از طریق مطبوعات، متهم را مشمول بهره‌مندی از تضمین‌های ویژه دادرسی مندرج در اصل ۱۶۸ نمی‌کند. تفسیر یگانه‌انگارانه از جرایم سیاسی و مطبوعاتی، علاوه بر خدشه در استدلال دوگانه‌انگاران راجع به دلالت الفاظ اصل ۱۶۸ بر تفکیک و تمایز دو نوع جرم سیاسی و جرم مطبوعاتی و استدلال بر اثبات دلالت ظاهر الفاظ اصل ۱۶۸ بر وحدت موضوعی و ماهوی جرایم اصل مذکور، بر آن است که تفسیر موسع دوگانه‌پنداران از جرایم اصل ۱۶۸ - که با هدف حمایت بیشتر از فعالان مطبوعاتی صورت می‌گیرد - مبتنی بر پیش‌فرض سیاسی دانستن مطبوعات شکل گرفته که گفتمانی منسوخ و متعلق به گذشته است (رحمانی، ۱۳۹۱، صص ۳۹-۴۰).

۲-۱. فلسفه اصل ۱۶۸

برخلاف دیدگاه دوگانه‌انگارانه که الفاظ اصل ۱۶۸ را دالّ بر تمایز ماهیت و معنای جرایم سیاسی و جرایم مطبوعاتی می‌داند، از منظر یگانگی جرایم موضوع اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قرینه لفظی ذیل اصل، دایر بر تکلیف قانونگذار عادی در «تعیین نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی»^۱ بر هم‌جنس بودن ماهیت و معنای جرایم موضوع اصل دلالت می‌کند از آن روی که مقنن اساسی پس از آن که در صدر اصل، حکم به حضور نهادی به نام هیأت منصفه در رسیدگی به جرایم موضوع اصل می‌دهد، بلافاصله در ذیل اصل یادشده، نسبت به تعریف و دایره شمول و مصادیق این جرایم با لفظ مفرد - نه جمع - و در ذیل عنوان «جرم سیاسی» برای مقنن عادی تعیین تکلیف کرده و نحوه تأسیس «هیأت منصفه» را نیز، هکذا، با لفظ مفرد - که دلالت بر «وحدت هیأت منصفه» از آن استفاده می‌شود - مورد حکم قرار داده است. به عبارت دیگر، مفاد ذیل اصل ۱۶۸ که در مقام تمهید مقدمات اجرای حکم مندرج در صدر اصل یاد شده می‌باشد، منطقاً باید تمهید مقدمات مذکور را به‌تمامه - و نه به نحو جزئی و نسبت به قسمتی از حکم - پیش‌بینی کند. از این رو قانونگذار خردمند هرگاه تمامیت موضوعی را مورد حکم قرار داد، مقدمات اجرای آن حکم را نیز به‌تمامه تمهید می‌کند و در خصوص این موضوع نیز، خردمندانه نیست که پس از حکم به اعطای تضمین‌های ویژه به «جرایم خاص» (سیاسی و مطبوعاتی) فقط

۱. ذیل اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «...نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند».

مقدمات «یک بخش از آن جرایم خاص» (سیاسی) را مورد حکم قرار دهد و مقدمات بخش دیگر (مطبوعاتی) را واگذارد (رحمانی، ۱۳۹۱، ص ۴۱). از همین رو، تعمیم احکام و ترتیبات مربوط به هیات منصفه محاکمات مطبوعاتی به محاکم و محاکمات سیاسی در قانون جدید (و البته هنوز اجرا نشده) آیین دادرسی کیفری مصوب تیرماه ۱۳۹۲ را - که در قانون اخیرالتصویب جرم سیاسی مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ نیز به آن تصریح شده است - می‌توان نقطه عطفی در تغییر رویکرد قانون‌گذار از دوگانه‌انگاری به یگانگانگاری جرایم سیاسی و مطبوعاتی (دست کم در تشکیل هیات منصفه واحد و یگانه) به حساب آورد.^۱

بر همین اساس در نظریه یگانگی، به کارگیری صیغه جمع «جرایم» برای توصیف الفاظ «سیاسی و مطبوعاتی» در صدر اصل ۱۶۸، نه از باب «تجمیع» دو نوع «جرم سیاسی» و «جرم مطبوعاتی»، بلکه از باب «تکثیر» - و معطوف به کثرت عناوین مجرمانه دارای اوصاف همگن و متشابه - تلقی شده است که از آن به «جرایم - دارای اوصاف - سیاسی» یاد می‌شود. بر این اساس قرینه لفظی موجود در ذیل اصل نیز کاشف از همین اراده مقنن است چرا که استخدام صیغه مفرد «جرم» برای توصیف ماهیت عناوین متکثری که مشمول تضمین‌های مندرج در اصل ۱۶۸ می‌باشد، نشان از آن دارد که حرف ربط «و» در جمله «جرایم سیاسی و مطبوعاتی» را - نه از جنس «عطف» که - باید از جنس «تأکید» تلقی نمود.

در نظریه یگانگی جرایم سیاسی و مطبوعاتی، همچنین «بدیهی بودن تعریف جرم مطبوعاتی» - که از دیدگاه نظریه دوگانگی دلیل انصراف مقنن اساسی از تعیین تکلیف برای مقنن عادی جهت تعریف جرم مطبوعاتی تلقی شده است - مردود به حساب می‌آید و تعاریف متکثر و متفاوت و بعضاً متعارض و متضاد موجود در ادبیات حقوقی و قانونگذاری‌های یکصد ساله اخیر راجع به جرم مطبوعاتی، دلیل روشنی بر این ردیه دانسته می‌شود که همسانی و تشابه وضعیت دو عنوان «جرم

۱. ماده ۳۰۵ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ مجلس شورای اسلامی: «به جرائم سیاسی و مطبوعاتی {...} با حضور هیات منصفه رسیدگی می‌شود.

تبصره: احکام و ترتیبات هیات منصفه، مطابق قانون مطبوعات و آیین‌نامه اجرائی آن است.»

ماده ۴ قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰ مجلس شورای اسلامی: «نحوه رسیدگی به جرائم سیاسی و مقررات مربوط به هیات منصفه مطابق قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ است.»

سیاسی» و «جرم مطبوعاتی» از حیث فقدان توافق بر سر تعریف این واژگان را گواهی می‌دهد (رحمانی، ۱۳۹۱، ص ۴۲).

۲-۲. دگرگونی ماهیت اولیه مطبوعات

حمایت از مطلق متهمان مطبوعاتی با اتکاء به تفسیر موسع از اصل ۱۶۸ مبتنی بر پیش فرضی است که مطبوعات را بنیاداً عنصر و ابزاری برای کنش‌گری سیاسی می‌داند و عموم صاحب‌نظرانی که از لزوم حمایت مطلق مطبوعات و برخورداری اصحاب قلم - در همه موارد سیاسی و غیرسیاسی - از تضمین‌های اصل ۱۶۸ سخن گفته‌اند، چنین استدلال کرده‌اند که چون مطبوعات نوعاً در برابر اقتدار حکومت قرار می‌گیرند، لازم است در مواردی هم که حکومت و یا جامعه از جرم مطبوعاتی متضرر نمی‌گردد، باز افکار عمومی در مقام داوری راجع به جرم قرار بگیرد تا حکومت نتواند توهین به افراد و یا دیگر جرایم مطبوعاتی ناقص حقوق فردی را بهانه و مستمسکی برای توقیف و تعطیلی نشریات قرار بدهد و از این رهگذر با مخالفان و منتقدین سیاسی خود در پوشش دفاع از حقوق شهروندان، تسویه حساب نماید (صالحی انصاری، ۱۳۸۵، ص ۱۱۳).

در رد تفسیر دوگانه‌انگار مذکور، استدلال می‌شود که تفسیر موسع به نفع متهم مطبوعاتی از مفاد اصل ۱۶۸ با هدف جلوگیری از برخورد سیاسی حکومت با مطبوعات، در حالی به عنوان استدلال اصلی دوگانه‌گرایان در «حمایت بنیاد» تلقی کردن اصل ۱۶۸، مطرح شده است که اساساً پیش فرض سیاسی بودن و یا غلبه صبغه سیاسی مطبوعات، متعلق به دوره‌ای از تاریخ حیات مطبوعات می‌باشد که سال‌هاست عصر آن سپری شده است. در عصر کنونی، دامنه و زمینه کارکردهای مطبوعاتی از محدوده کنش‌گری سیاسی یا شبه سیاسی فراتر رفته و اکنون بسیاری از مطبوعات هیچ نسبتی با سیاست و هیچگونه تلاقی و اصطکاک‌کی با حاکمیت و عوامل حکومت ندارند و لذا شائبه طرفیت حکومت با بخش وسیعی از رسانه‌ها، مطبوعات و مراکز اطلاع‌رسانی، از اساس منتفی است.

۳. نقض عدالت رویه‌ای (ایراد عملی)

حقوق بشر را می‌توان از این نظر که برخی مصادیق آن متضمن حقی ماهوی و پاره‌ای دیگر در بردارنده رویه و روش تضمین آن حق‌ها است، به دو دسته حقوق ماهوی^۱ و حقوق رویه‌ای^۲ تقسیم نمود (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۱). حقوق ماهوی، حقوقی هم چون حق حیات، حق بر آزادی بیان، تردد، مالکیت و از این قبیل حقوق است و حقوق رویه‌ای به تمهیدات، سازکارها و رویه‌های معطوف به حمایت و تضمین حقوق ماهوی، اطلاق می‌شود که امکان دسترسی به مراجع قضایی بی‌طرف و مستقل، حق بهره‌مندی از وکیل، اصل برائت، رسیدگی به جرایم در دادگاه علنی و مانند آن، از جمله تضمین‌های مذکور است. حق‌های رویه‌ای اهمیتی کمتر از حق‌های ماهوی ندارند چرا که در صورت تضمین حقوق رویه‌ای، می‌توان به تأمین حقوق ماهوی امیدوار بود. به عبارت دیگر، حق‌های رویه‌ای مقدمه ضروری تضمین حق‌های ماهوی است و نقش عمده‌ای در تضمین عدالت در دادرسی‌ها ایفا می‌کند و از آن جا که رعایت کلیه تضمین‌های رویه‌ای برای تحقق عدالت در رسیدگی‌های قضایی یا همان عدالت رویه‌ای، لازم است (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۸، ص ۲۲۱) به طوری که عدالت رویه‌ای را می‌توان قواعدبازی منصفانه در فرآیند رسیدگی به دعاوی و اتهامات تلقی نمود (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۲، ص ۶۶). بنابراین، تبعیض در بهره‌مندی شهروندان از الزامات و اقتضائات چنین عدالتی را می‌توان شقی از شقوق نابرابری رویه‌ای و یا نقض عدالت رویه‌ای به حساب آورد. هم از این رو است که اعطای تضمین‌ها یا ارفاق‌های ویژه به متهمان خاص و تفکیک آنان از دیگر متهمان در فرآیند دادرسی، می‌باید مبتنی بر ضابطه‌ای نوعی و نیز متکی بر علل موجه‌ای باشد که از یک سو به گونه‌ای برابر و عادلانه همه آحاد و مصادیق غیرمنطبق بر ضابطه و توجیحات را بی‌هیچ استثنایی دربرگیرد و از دیگر سو، همه افراد و مصادیق غیرمنطبق بر ضابطه یاد شده و موجهاتش را، یک جا از شمول آن خارج نماید تا خللی بر عدالت رویه‌ای وارد نشود.

رویه قضایی حاکم بر نظام دادرسی کنونی ایران در خصوص رسیدگی به جرایم ناشی از فعالیت‌های مطبوعاتی و رسانه‌ای - که آشکارا بر مبنای دوگانگی جرایم موضوع اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است - ضابطه‌ای را برای تشخیص «جرم مطبوعاتی»

۱. Substantive rights

۲. procedural rights

مشمول محکمه اصل ۱۶۸ ویژه مطبوعات، از غیر آن، ملاک عمل قرار داده که به نحو ملموس و غیر قابل توجیهی، عناوین مجرمانه فراوانی را بدون اتکاء به علل موجهه معطوف به اعطای تضمین‌ها، مشمول اصل قرار داده، و به عکس، جرایم و مجرمان بسیار دیگری را که برخوردار از علل موجهه مذکور هستند، از دایره مشمولین اصول ارفاقی خارج نموده است. مشمول اصل ۱۶۸ به مطلق جرایم مطبوعاتی و رسانه‌ای، دست کم موجد و موجب سه دسته نابرابری در رسیدگی‌های قضایی می‌شود و این در حالی است که تامین عدالت رویه‌ای می‌تواند از مصادیق رفع تبعیض‌های ناروا به شمار آید که در عداد وظایف دولت (به معنای عام) در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قلمداد شده است.^۱

۳-۱. نابرابری متهمان رسانه‌ای و غیررسانه‌ای

بسیاری از عناوین مجرمانه مندرج در قانون مطبوعات، ماهیتاً جرایمی هستند که تحقق عنصر مادی آنها در گرو انتشار از طریق مطبوعات و رسانه‌ها نیست و به وسیله ابزار دیگری نیز قابل ارتکاب است. با این وجود مطابق مقررات قانون مطبوعات، چنانچه ارتکاب این جرایم از طریق انتشار نشریات یا دیگر رسانه‌های مشمول قانون مطبوعات به وقوع بپیوندد، مشمول اصل ۱۶۸ قانون اساسی خواهد بود، اما ارتکاب به واسطه یا به وسیله ابزاری غیر از مطبوعات، مشمول اصل مذکور نیست. از دیگر سو، پاره‌ای عناوین جرم‌انگاری شده در قانون مجازات اسلامی یا دیگر مقررات کیفری، قابل ارتکاب از طریق درج در مطبوعات اند و از این رو مشمول اصل ۱۶۸ می‌شوند، حال آن که ارتکاب همین جرایم بواسطه ابزاری غیر از انتشار مطبوعاتی، خارج از مشمول تضمین‌های ویژه مندرج در قانون اساسی است.

بر این اساس، هم‌اکنون در نظام دادرسی کشور ما، یک عنوان مجرمانه واحد - به عنوان مثال، جرم «نشر اکاذیب» موضوع ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی^۲ - مشمول دو رژیم دادرسی متفاوت

۱. اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: ... ۹- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.»
 ۲. ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی: «هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکوائیه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هر گونه اوراق چاپی یا خطی یا امضاء یا بدون امضاء اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت رأساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت

است؛ نظام دادرسی عمومی و نظام دادرسی ویژه اصل ۱۶۸ قانون اساسی. اگر جرم موضوع ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی به وسیله نامه، شکوائیه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی (به استثنای نشریات و رسانه‌های الکترونیکی مشمول قانون مطبوعات) یا انتشار از طریق دیگر رسانه‌ها (اعم از صوتی و تصویری و مجازی و مکتوب) واقع شود، تابع نظام دادرسی جرایم عمومی است، اما اگر به وسیله نشریات مشمول فصل «تعاریف» (ماده ۱ و تبصره‌ها) در قانون مطبوعات^۱ ارتکاب گردد، رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه ویژه مطبوعات (با رعایت دو تضمین علنی بودن دادرسی و حضور هیأت منصفه) خواهد بود.

نتیجه فوری و قطعی چنین تمهیدی در سپهر قضاوت و دادگستری، نابرابری متهمان مطبوعاتی و غیرمطبوعاتی در برخورداری از عدالت رویه‌ای، در صورت ارتکاب عناوین مجرمانه کاملاً مشابه، می‌باشد. اصحاب جرایم و رسانه‌های الکترونیکی مشمول قانون مطبوعات در صورت ارتکاب جرم در مقابل محکمه‌ای محاکمه می‌شوند که در هر حال به صورت علنی و با حضور هیأت منصفه تشکیل می‌شود، حال آن که مرتکبان غیرمطبوعاتی همان جرم - از جمله سخنرانان، منتشرکنندگان آثار چاپی و مطبوعاتی غیرمشمول قانون مطبوعات نظیر کتاب، جزوه، بروشور، و نیز تولیدکنندگان آثار صوتی، تصویری و نمایشی و مانند آن - در محکمه عمومی و بدون بهره‌مندی از تضمین‌های پیش گفته مورد محاکمه قرار می‌گیرند و این رایج‌ترین، جاری‌ترین و آشکارترین مصداق نقض عدالت رویه‌ای در اجرای تبعیض آمیز اصل ۱۶۸ قانون اساسی محسوب می‌گردد.

۳-۲. نابرابری رسانه‌های مشمول و غیرمشمول قانون مطبوعات

از آن جا که نظام حقوقی دو گانه‌انگار جرایم موضوع اصل ۱۶۸، این جرایم را بر حسب «ابزار ارتکاب جرم» - و نه «ماهیت و موضوع جرم» - تقسیم‌بندی می‌کند و رژیم حقوقی متفاوتی را برای هر یک از دو دسته جرایم مشمول و غیرمشمول اصل ۱۶۸ - اعم از قوانین و مقررات ماهوی و شکلی - پیش‌بینی و اعمال می‌نماید، بنابراین در مقام عمل، مرتکبان پاره‌ای اعمال مشابه، مشمول احکام

دهد، اعم از این که از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود، یا نه، علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم شود.

۱. براساس اصلاحیه مصوبه ۸ آذر ۱۳۸۸، عنوان فصل اول قانون مطبوعات ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن که مشتمل بر ماده (۱) و تبصره‌های آن می‌باشد، از «تعریف مطبوعات» به «تعاریف» تغییر پیدا کرده است و افزودن بر مطبوعات - به معنای مصطلح - خبرگزاری‌های داخلی و پایگاه‌های اینترنتی نیز مشمول قانون مطبوعات شده‌اند.

متفاوت می‌شوند به این ترتیب که مرتکبان افعال منطبق بر عناوین مجرمانه مندرج در قانون مطبوعات، در صورتی که صدق عنوان نشریه (اعم از کاغذی و الکترونیکی) و خبرگزاری داخلی بر آنها، محل تردید نباشد، مجرم بوده و مشمول تحمل کیفرهای مقرر در قانون می‌باشند، لیکن در صورتی که ابزاری غیر از نشریات کاغذی و الکترونیکی و نیز خبرگزاری‌های شناسنامه‌دار داخلی، برای ارتکاب همان افعال به کار رفته باشد، صدق عنوان «جرم» بر اعمال مذکور اساساً منتفی است. در طول دو دهه گذشته، بسیاری از مدیران و اصحاب نشریات به اتهام ارتکاب جرایمی در دادگاه مطبوعات و با رعایت اصل ۱۶۸ قانون اساسی، محاکمه و بعضاً محکوم شده‌اند که این عناوین مجرمانه، صرفاً در قانون مطبوعات و نسبت به مشمولین قانون مزبور، جرم‌انگاری گردیده است و ارتکاب اعمال منطبق بر همان عناوین مجرمانه، به وسیله ابزاری غیر از ابزار مشمول قانون مطبوعات، جرم محسوب نمی‌شود.^۱ از جمله عناوین مجرمانه مندرج در قانون مطبوعات، «استفاده ابزاری از تصاویر زن و مرد» می‌باشد^۲ که از زمان جرم‌انگاری این عنوان تاکنون، مدیران مسئول بسیاری از نشریات عامه پسند - موسوم به «نشریات زرد» - به این اتهام محاکمه شده و شماری از آنان با اعلام مجرمیت از سوی هیأت منصفه، توسط دادگاه مطبوعات به مجازات‌های پیش‌بینی شده در قانون محکوم شده‌اند. مروری گذرا بر دفاعیات مدیران مسئول این دسته از نشریات، در برابر ایراد اتهام مدعی‌العموم دایر بر استفاده ابزاری از زن یا مرد - که البته در اکثر قریب به اتفاق موارد، موضوع اتهام، «تصاویر زنان» بوده است^۳ - نشان می‌دهد که متهمان مذکور، عموماً به ادله‌ای هم چون، استفاده از عکس‌ها و تصاویر مشابه حتی در ابعاد و اندازه‌های بزرگ‌تر و جلوه‌نمایی افزون‌تر در سطح شهر و بر سر در سینماها یا بیلبوردهای شهری و بنرهای تبلیغاتی، پخش مکرر تصاویر مربوط به صاحبان تصاویر منتشره در نشریه، از سیمای جمهوری اسلامی ایران، انطباق عکس‌ها و تصاویرهای منتشره با

۱. به عنوان نمونه برای مطالعه درباره جزئیات ۲۸۰ محاکمه مطبوعاتی بین سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۹ ر.ک به: فراهانی، عذرا (۱۳۸۴)،

اسناد و پرونده‌های مطبوعاتی ایران دهه ۷۰، سه جلدی، چاپ اول، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲. ماده ۶ قانون مطبوعات ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن: «نشریات جز در موارد اخلاص به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی و خصوصی که در این فصل مشخص می‌شود آزادند: ... بند ۱۰ - (الحاقی ۱۳۷۷/۵/۲۱) استفاده ابزاری از افراد (اعم از زن و مرد) در تصاویر و محتوا...».

۳. در سوابق محاکمات مطبوعاتی، یک مورد اتهام «استفاده ابزاری از تصویر مرد» مربوط به استفاده نشریه «دنیای تصویر» به مدیر مسئولی «علی معلم» از تصویر «مهران مدیری» کارگردان و بازیگر معروف تلویزیون دیده می‌شود که هیأت منصفه حکم برائت داده است. (رای هیأت منصفه دادگاه مطبوعات درباره نشریه «دنیای تصویر»، صورت جلسه مورخ ۱۳۸۴/۰۷/۲۴).

معیارهای تعیین شده از سوی وزارت ارشاد و نیز چاپ تصاویری مشابه و بعضاً بزرگ‌تر و جذاب‌تر در جرایم دیگر - که به ادعای متهمان، مشمول تعقیب کیفری قرار نگرفته است - در مقام دفاع از اقدام خود در اجازه چاپ تصاویر مربوطه، تمسک جسته‌اند که دو دلیل نخست از این چهار دلیل - که از قضا بیشترین تأکید متهمان بر همان دو دلیل بوده است - آشکارا بر نابرابری رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی در برابر قوانین حکایت می‌کند، آن چنان که ارتکاب فعل واحد (استفاده ابزاری از تصاویر زن و مرد) نسبت به دسته‌ای از رسانه‌ها (مطبوعات، خبرگزاری‌ها و پایگاه‌های اینترنتی) به موجب قانون مطبوعات، جرم تلقی شده، ولی نسبت به سایر رسانه‌ها (کتاب، بروشور، بیلورد و بنر تبلیغاتی، تصاویر متحرک اعم از فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی و پویانمایی و امثال آن) در عداد عناوین مجرمانه محسوب نمی‌گردد (رحمانی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴).

عناوین مجرمانه مختص ابزارهای رسانه‌های مشمول قانون مطبوعات - هم‌چنان که بیان شد - منحصر به نمونه فوق‌الذکر نیست و سایر عناوین مجرمانه اختصاصی^۱ قانون مطبوعات نظیر انتشار مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی و محاکم قضایی نیز مشمول همین حکم است، لیکن اتهام «استفاده ابزاری از تصاویر زن و مرد» از آن جهت که به دفعات فراوان، موضوع محاکمات مطبوعاتی طی دوده‌گذشته بوده است، مثال و نمونه برجسته‌ای برای اثبات مدعای مورد بحث به حساب می‌آید.

۳-۳. نابرابری شاکیان رسانه‌ای و غیر رسانه‌ای

پیش‌بینی دو رژیم متفاوت دادرسی برای رسیدگی به جرایم مشابه، به خودی خود واجد نقض عدالت رویه‌ای است، اما هنگامی که تضمین‌های ویژه دادرسی و ارفاقات مورد نظر قانون اساسی، بدون توجه به علل موجهه و فلسفه آن ارفاق‌ها، به گروهی از متهمان تعلق بگیرد، موجب بی‌عدالتی افزون‌تر و «تبعیض مضاعف قضایی» در رسیدگی‌های کیفری می‌شود که آسیب شدیدتری بر حقوق رویه‌ای وارد می‌کند. در حال حاضر و با رویه کنونی دادگاه‌ها، تبعیض مضاعف قضایی، به واسطه

۱. «جرایم مطبوعاتی اختصاصی» در اینجا به عناوینی اطلاق می‌شود که منحصرأ در قانون مطبوعات جرم‌انگاری شده و مرتکبان آن صرفاً کسانی هستند که با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای مشمول قانون مذکور، افعال منطبق با این عناوین را انجام داده باشند. جرایمی که غیر از قانون مطبوعات، در قوانین موضوعه دیگر - ولو با عبارات و الفاظ متفاوت - جرم‌انگاری شده باشند، «جرایم مطبوعاتی عام» محسوب می‌شوند.

تشکیل محکمه اصل ۱۶۸ برای عموم جرایم ناشی از فعالیت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مؤسسات مطبوعاتی و ارباب جراید، به صورت مکرر انجام می‌شود که به هیچ وجه در چارچوب فلسفه و علل موجهه اعطای تضمین‌ها قابل دفاع نیست.

در حالی که بسیاری از متهمین به ارتکاب جرایم منحصرأ واجد حیثیت عمومی، صرفاً از آن جهت که ابزار ارتکاب جرم‌شان، مطبوعات نبوده است، ناعادلانه و برخلاف منطق حاکم بر اصول ارفاقی قانون اساسی، از تضمین‌های مندرج در اصل ۱۶۸ محروم هستند، عموم اصحاب جراید و دیگر رسانه‌های مشمول قانون مطبوعات، در مطلق جرایم ارتكابی - حتی جرایم منحصرأ واجد حیثیت خصوصی که تعقیب جرم، موکول به شکایت شاکی خصوصی است^۱ - صرفاً از آن روی که ابزار ارتکاب جرم، رسانه مشمول قانون مطبوعات بوده است، هکذا، ناعادلانه و برخلاف منطق ارفاقی، از تضمین‌های پیش گفته بهره‌مند می‌باشند.^۲

مطبوعات امروزه در دوره‌ای از حیات خود به سر می‌برد که نشریات عامه پسند موسوم به «ژورنالیسم زرد» از نظر تعداد عناوین و شمارگان بر نشریات جدی از جمله سیاسی غلبه پیدا کرده و موضوع و مضامین این نشریات در بسیاری موارد، ورود به حریم خصوصی افراد و نقض حقوق مسلم شهروندان است که مطلقاً ارتباطی با حوزه عمومی یا مسائل سیاسی و اجتماعی ندارد تا حمایت ارفاقی ویژه و اعطای تضمین‌های خاص به متهمان مطبوعاتی را توجیه نماید زیرا فلسفه اصلی ارفاق ویژه به متهمان مطبوعاتی، حمایت از آزادی بیان و قلم و مطبوعات و به طور کلی حوزه عمومی در برابر اقتدار حکومت می‌باشد (هاشمی، ۱۳۸۰، صص ۴۷۰-۴۷۳).

بررسی پرونده‌های مطروحه در دادگاه ویژه محاکمات مطبوعاتی، نشان می‌دهد حجم قابل توجهی از پرونده‌های مذکور، مربوط به شکایت شهروندان از مطبوعات، به خاطر درج مطالب یا

۱. ماده ۳۰ قانون مطبوعات ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن: «انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افتراء یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهین‌آمیز و نظائر آن نسبت به اشخاص ممنوع است. مدیرمسئول جهت مجازات به محاکم قضایی معرفی می‌گردد و تعقیب جرایم مذکور موکول به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت، تعقیب در هر مرحله‌ای که باشد متوقف خواهد شد.»

۲. به موجب قانون اصلاح ماده یک قانون مطبوعات ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن (مصوب ۸ آذر ۱۳۸۸)، در حال حاضر علاوه بر مطبوعات، خبرگزاری‌های داخلی و رسانه‌های منتشره در فضای مجازی هم مشمول حقوق و تکالیف مندرج در قانون مطبوعات بوده و رسیدگی به جرایم‌شان در صلاحیت دادگاه ویژه اصل ۱۶۸ می‌باشد.

تصاویر مشتمل بر مضامین مجرمانه بر علیه اشخاص یاد شده بوده است. دقت در عناوین مجرمانه پرونده‌های مطروحه در محاکم ویژه مطبوعات (به طور مشخص دو شعبه ۷۶ و ۱۰۸۳ دادگاه کیفری استان تهران) حکایت از آن دارد که سه عنوان نشر اکاذیب موضوع ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی، توهین یا اهانت، و افتراء و تهمت، به ترتیب بیشترین موارد اتهامی پرونده‌های مطبوعاتی را در بر داشته است که بخش قابل توجهی از ایراد اتهامات مذکور - نه از ناحیه مدعی العموم، بلکه - بواسطه شکایت شاکیان خصوصی از مطبوعات صورت گرفته که یا اساساً واجد خصلت عمومی نبوده و یا حیثیت عمومی جرم، وجه ثانوی و فرعی آن را تشکیل می‌داده است.^۱

ناگفته پیداست که تفاوت رژیم دادرسی در رسیدگی به یک عنوان مجرمانه واحد و مشابه در دو پرونده - که یکی به طرفیت شاکی خصوصی و عنصر مطبوعاتی و دیگری به طرفیت شاکی خصوصی و متهم غیرمطبوعاتی تشکیل شده است - موجب نقض عدالت در دادرسی می‌شود؛ از آن روی که صرف نظر از تبعیض میان متهمان مطبوعاتی و غیرمطبوعاتی در بهره‌مندی از ارفاق‌ها و تضمین‌های ویژه اصل ۱۶۸، شاکیان خصوصی دو پرونده نیز وضع نابرابری خواهند داشت، زیرا یکی در برابر محکمه عادی، حق تضییع شده خود و کیفر مجرم متعرض به حقوق خود را مطالبه می‌کند، حال آن که دیگری در وضعی کاملاً مشابه، صرفاً از آن جهت که متشاکی وی عنصری مطبوعاتی است، می‌باید در برابر محکمه‌ای که با ساختار حمایت‌گرایانه از متهم تشکیل گردیده، داد خود بستاند. این قسم از نابرابری قضایی به خصوص در مواردی که موضوع شکایت نقض حریم خصوصی شاکی بوده - و چه بسا متعلق حق وی در غیرعلنی شدن دادگاه قرار می‌گیرد اما به دلیل اطلاق حکم اصل ۱۶۸ قانون اساسی دایر برعلنی بودن محاکمات مطبوعاتی این حق تضییع می‌شود - اهمیت و برجستگی افزون‌تری می‌یابد. این عیب آشکار، به نظر می‌رسد با اجرای نظام دادرسی جدید کشور - که در قالب قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ تنظیم شده است - مرتفع خواهد شد چرا که این قانون، در احکام ناظر به استثنائات وارد بر اصل علنی بودن محاکم، تفاوتی بین

۱. یافته‌های مذکور مستند به مجموعه گزارش پرونده‌های مطروحه در شعب ۷۶ و ۱۰۸۳ دادگاه کیفری استان تهران است که تحت عنوان «بیک ویژه» در اختیار اعضای هیات منصفه دادگاه مطبوعات قرار گرفته است.

جرایم عمومی با جرایم سیاسی و مطبوعاتی قائل نشده و تصریح کرده است که رسیدگی علنی به جرایم موضوع اصل ۱۶۸ تابع اصل و استثنائات وارد بر اصل علنی بودن محاکم است.^۱

نتیجه

نظام قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران با پیش‌بینی مقررات و تشریفات خاص دادرسی جرایم مطبوعاتی به استناد اصل ۱۶۸ قانون اساسی، سیستمی را پایه‌گذاری کرده است که بر اساس آن مطلق جرایم ارتكابی از طریق مطبوعات - صرف نظر از ویژگی‌ها و اوصاف آن - در این محاکم خاص رسیدگی می‌شود. تشکیل دادگاه ویژه برای رسیدگی به مطلق جرایم مطبوعاتی، صرف نظر از مغایرت با فلسفه اصلی و اولیه رژیم ارفاقی مورد نظر در اصل ۱۶۸ قانون اساسی، در عمل موجب عوارض و عواقب غیرقابل توجیهی در مسیر احقاق حق، عدالت‌گستری و تأمین حقوق اساسی افراد شده است که تبعیض ناروای قضایی و نقض عدالت رویه‌ای از جمله مهم‌ترین این آسیب‌ها است. به واسطه اعمال رژیم دادرسی ویژه مطبوعاتی در شکل کنونی، انواع نابرابری‌های ناروا مستمرا در حال تکرار است آن‌چنان که مرتکبین مطبوعاتی و غیرمطبوعاتی جرایم کاملاً مشابه، در دو رژیم متفاوت دادرسی - یکی در دادگاه عادی عمومی و دیگری در محکمه حمایت بنیاد مطبوعات - محاکمه می‌شوند. نیز رسانه‌های غیرمشمول قانون مطبوعات در وضع کاملاً مشابه با رسانه‌های مشمول این قانون، از امتیازات رژیم دادرسی حمایت بنیاد ویژه مطبوعات محروم‌اند. از طرفی، در حالی که دادخواهان و شاکیان خصوصی از عوامل غیرمطبوعاتی، در محکمه عادی و تحت تشریفات معمول محاکم کیفری عمومی تعقیب قضایی متشاکی را خواستار می‌شوند، شاکیان از عوامل مطبوعاتی - در موضوع و موضع کاملاً یکسان - ناچارند در محکمه‌ای که با ساختار حمایت‌گرانه از اصحاب رسانه شکل گرفته است، طرح دعوا کنند.

۱. ماده ۳۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ مجلس شورای اسلامی: «به جرائم سیاسی و مطبوعاتی با رعایت ماده (۳۵۲) این قانون به طور علنی در دادگاه کیفری یک مرکز استان محل وقوع جرم با حضور هیأت منصفه رسیدگی می‌شود.»
ماده ۳۵۲: «محاکمات دادگاه علنی است، مگر در جرائم قابل گذشت که طرفین یا شاکی، غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند. همچنین دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان، قرار غیرعلنی بودن محاکم را در موارد زیر صادر می‌کند: الف - امور خانوادگی و جرائمی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه است ب - علنی بودن، محل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی باشد تبصره - منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است.»

نابرابری‌های قضایی پیش‌گفته را می‌توان از مصادیق تبعیض‌های ناروا به شمار آورد که رفع آن - به موجب بند ۹ اصل سوم قانون اساسی - از وظایف دولت (به معنای عام) محسوب می‌شود و بازنگری و تجدیدنظر در مقررات سازمان‌دهنده محکمه‌خاص مطبوعات به شکل فعلی را ضروری می‌کند. رویکرد اخیر مقتن در تصویب قانون جدید آیین دادرسی کیفری (مصوب زمستان ۱۳۹۲) و قانون جرم سیاسی (بهار ۱۳۹۵) را می‌توان به مثابه نقطه عزیمت برای گذار از رژیم دوگانه و معیوب فعلی در دادرسی جرایم موضوع اصل ۱۶۸ قانون اساسی، به سمت یگانه‌سازی عادلانه‌تر دادرسی جرایم مذکور تلقی نمود.

فهرست منابع

کتاب‌ها

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵)، **لغت‌نامه دهخدا (دو جلدی)**، زیر نظر جعفر شهیدی، به کوشش غلامرضا ستوده، ایرج مهرکی و اکرم سلطانی (۱۳۸۵)، چاپ اول، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- رحمانی، قدرت‌الله (۱۳۹۱)، **نظریه یگانگی جرایم سیاسی و مطبوعاتی**، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- شیخ الاسلامی، عباس (۱۳۸۰)، **جرایم مطبوعاتی؛ بررسی تطبیقی سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران و انگلستان**، چاپ اول، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- صالحی انصاری، محمدجواد (۱۳۸۵)، **دادگاه مطبوعات در جمهوری اسلامی ایران**، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۴)، دوره چهار جلدی، چاپ اول، تهران: انتشارات اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
- فراهانی، عذرا (۱۳۸۴)، **اسناد و پرونده‌های مطبوعاتی ایران دهه ۷۰**، سه جلدی، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۲)، **حقوق بشر در جهان معاصر**، دفتر اول، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۸)، **حقوق بشر در جهان معاصر؛ دفتر دوم**، جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- معتمدنژاد، کاظم (۱۳۸۵)، **حقوق مطبوعات**، چاپ چهارم، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه.
- معتمدنژاد، کاظم (۱۳۶۸)، **روزنامه نگاری؛ با فصلی جدید در بازنگری روزنامه نگاری معاصر**، چاپ سوم، تهران: نشر سپهر.

➤ هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۱)، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، جلد دوم، چاپ ششم، تهران: نشر میزان.

مقالات

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۱)، «**جرایم مطبوعاتی**»، میزگرد مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، مجله پژوهش‌های حقوقی، سال اول، شماره ۱.
- اسماعیلی، محسن (۱۳۷۶)، «**دادگاه‌های مطبوعاتی؛ شرایط و ویژگی‌ها**»، فصلنامه رسانه، سال هشتم، شماره ۱.
- جباری، علی (۱۳۳۲)، «**ردّ (Larecusation) در هیأت منصفه**»، فصلنامه کانون و کلاء، نشریه کانون وکلای دادگستری مرکز، دور اول، شماره ۳۶.
- شاملو، باقر (۱۳۷۵)، «**معرفی و نقد جایگاه هیأت منصفه در نظام حقوقی ایران**»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، نشریه دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، شماره ۳.
- شعبانی، قاسم (۱۳۷۸)، «**تخلفات و جرایم مطبوعاتی**»، گزارش سمینار نقد و ارزیابی قانون مطبوعات و اصلاحیه آن، تهیه و تنظیم معصومه محمدپور، فصلنامه رسانه، سال دهم، شماره ۲.
- معتمدزاد، کاظم (۱۳۸۱)، «**جرایم مطبوعاتی**»، میزگرد مؤسسه مطالعاتی و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، مجله پژوهش‌های حقوقی، سال اول، شماره ۱.
- مقدم فر، حمید (۱۳۷۱)، «**جرم مطبوعاتی-تخلف مطبوعاتی**»، فصلنامه رسانه، سال نهم، شماره ۲.
- میرفخرایی، نژاد (۱۳۸۵)، «**پردازش مطالب در نشریات عامه پسند ایرانی**»، فصلنامه رسانه، شماره پیاپی ۶۵.

اسناد و مقررات

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- قانون مجازات اسلامی
- قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۴ و اصلاحات بعدی آن
- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴
- قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰
- صورت جلسات و آراء هیأت منصفه دادگاه مطبوعات استان تهران.
- مجموعه «پیک ویژه»، شعبه‌های ۷۶ و ۱۰۸۳ دادگاه‌های کیفری استان تهران (ویژه رسیدگی به جرایم مطبوعاتی).